

کن و غیره.

دسته دیگر از غیر مسلمان‌ها کفار حربی و اهل عناد و جنگ هستند که در صورت درگیر شدن باید با آنها جنگید تا تسلیم شوند. و اما دربارهٔ دسته دوم؛ یعنی مسلمانان بحث بر سر این است که آیا مسلمان می‌تواند بگوید دوست دارم علناً در خیابان و کوچه و مغازه شراب بنوشم، یا مایلم قماربازی کنم، دوست ندارم حجاب شرعی را عمل کنم، دوست دارم بر علیه اسلام تظاهرات کنم؟ کسانی نداشته‌اند که با استفاده از حق آزادی می‌توان چنین کارهایی را مجاز دانست و گاهی در مقام جدال می‌گویند: مگر در صدر اسلام هم کسانی مثل ابن ابی العوجاء وجود خدا را انکار نمی‌کردند؟ مگر به امام معصوم نسبت گناه نمی‌دادند؟ و... مگر در قانون اساسی این آزادی‌ها تضمین نشده است و...

پاسخ آن است که خیر، اسلام جلوی تظاهر به فسق را می‌گیرد. آزادی عمل و بیان در اسلام نامحدود نیست. هر عمل و گفتاری را نمی‌توان در حکومت اسلامی انجام داد. تشریع امر به معروف و نهی از منکر برای رعایت مرزهاست و یکی از علل تأسیس حکومت در اسلام جلوگیری از محرمات و تخلفات دینی است. اسلام در مواقعی و تا حدودی دخالت در امور دیگران و محدود کردن انسان‌ها را اجازه داده و بلکه لازم دانسته است. تمام سخن بر سر تعیین حدود آزادی است.

خلاصه این‌که، اسلام مبارزه با اسلام و توطئه علیه نظام و تجاهر به فسق را اجازه نمی‌دهد و با این امور با نهایت شدت مخالفت می‌کند. اسلام در جای خود رحمت و رأفت و مدارا و تسامح و در جایی دیگر شدت و غلظت و خشونت و سخت‌گیری را روا می‌دارد. در اسلام بتی به نام آزادی و دموکراسی که بالاتر و برتر از دین باشد، وجود ندارد.

در فرهنگ غربی دین تنها در

حدّ یک سری توصیه‌های اخلاقی است؛ مانند سفارش‌های یک حکیم و واعظ که بعضی از مردم عمل می‌کنند و برخی دیگر هم عمل نمی‌کنند. گناهکار هم خود می‌داند و کشیش و کلیسا و خدایش.

همان‌گونه که اگر کسی دروغ بگوید یا غیبت نماید او را بازداشت نمی‌کنند، شرابخواری و قماربازی و عریان‌گردی هم چنین است. لذا اگر به زن نیمه عریانی بگویند چرا این‌گونه به کوچه و خیابان آمده‌ای پاسخ می‌دهد، به شما ارتباطی ندارد و اصلاً به چه حقی به خود اجازه می‌دهید که در امور دیگران دخالت کنید، و چه بسا کار به شکایت و دادگاه هم بینجامد.

در ممالک اسلامی و جامعه ما نیز رفته رفته بعضی به دنبال چنین نگرش و آزادی‌ای هستند. در حالی که جامعه ما با جامعه غربی و اسلام با مسیحیت مطرح در آنجا بسیار تفاوت دارد؛ زیرا، همان‌گونه که گفته شد، در اسلام علاوه بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر و نظارت عمومی، دولت هم باید از تظاهر به فسق و تجاوز به حرمت‌ها جلوگیری کند. ناگفته نگذاریم که این بحث در جایی است که شخص در حضور دیگران و در سطح جامعه خلافی را مرتکب شود و الاً اگر کسی در تنهایی و خلوت حرامی را مرتکب شد، دیگران حق تفتّح و جستجو ندارند و در صورت اطلاع هم نباید اسرار را هویدا نمایند زیرا سر افراد محترم است. مسأله حرمت تجسّس در زندگی دیگران و عدم دخالت نیز مربوط به این‌گونه موارد است. بنابراین، بین امر به معروف و نهی از منکر با عدم تجسّس در زندگی خصوصی دیگران نیز منافاتی وجود ندارد؛ زیرا بستر یکی ارتکاب خلاف در حضور دیگران و بستر دیگری ارتکاب خلاف در خفاء و دور از چشم دیگران است.

شیعه کیست؟

روح‌الله فریس‌آبادی

کسانی که امام علی بن ابیطالب علیه السلام را خلیفه و جانشین بلافاصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانند، شیعه نامیده می‌شوند.

شیعیان امامیه، علی علیه السلام و یازده فرزند معصوم وی را امام و پیشوای مسلمین می‌دانند و از رفتار و گفتارشان پیروی می‌کنند. شیعه واقعی، کسی است که از علی و ائمه اطهار علیهم السلام متابعت کند و سیره عملی و رفتاری آنان را ملاک عمل خویش قرار دهد.

امام محمد باقر علیه السلام به جابر می‌فرماید: ای جابر! آیا در شیعه بودن شخص، همین مقدار کافی است که بگوید: دوستدار اهل بیت علیهم السلام هستم؟ به خدا سوگند، شیعه ما نیست، مگر کسی که پرهیزکار باشد و از خدا اطاعت نماید. ای جابر! قبلاً شیعیان ما به این صفات شناخته می‌شدند: تواضع، امانت‌داری، ذکر خدا، روزه، نماز، احسان به پدر و مادر، رسیدگی و کمک به همسایگان و یتیمان و پدکاران و یتیمان، راست‌گویی و تلاوت قرآن. دربارهٔ مردم، جز خوبی نمی‌گفتند؛ امین مردم بودند.

جابر عرض کرد: یابن رسول الله صلی الله علیه و آله! در این زمان کسی را سراغ ندارم که دارای این صفات باشد. حضرت فرمود: ای جابر! عقاید مختلف تو را سرگردان نکنند و به اشتباه نیفتانند. آیا برای رستگاری و سعادت انسان، همین قدر کافی است که بگوید: دوستدار علی علیه السلام هستم، اما به دستورات خدا عمل نکند؟ اگر کسی بگوید: من دوستدار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هستم، اما از دستورات و رفتار آن حضرت پیروی نکند، دوستی رسول خدا سبب رستگاری او نمی‌شود، با این‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام افضل بود. ای شیعیان! از خدا بترسید و به دستوراتش عمل کنید. خدا با هیچ کس قرابت و خویشی ندارد. گرمی‌ترین مردم نزد خدا کسی است که پرهیزکارتر و با عمل‌تر باشد. ای جابر! به خدا سوگند، وسیله‌ای برای تقرب به خدا نیست، جز اطاعت و فرمان برداری.

برات آزادی از دوزخ در دست ما نیست، هرکس مطیع خدا باشد، دوست ما است، و هر کس از دستورات خدا سرپیچی کند، دشمن ما است. ولایت و دوستی ما جز با عمل صالح و پرهیزکاری حاصل نمی‌شود. (۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: با تقوا و پرهیزکار باشید. در راه اصلاح نفس و عمل صالح کوشش کنید. راستگو و امانتدار و خوش‌اخلاق باشید. با همسایگان خوش‌رفتاری کنید. به وسیله اعمال و رفتارتان، مردم را به سوی دین حق دعوت نمایید. اسباب و وسیله آبرو و سربلندی ما باشید. با اعمال زشت، اسباب شرمندگی ما را فراهم نسازید. رکوع و سجودتان را طولانی گردانید؛ زیرا هنگامی که بنده خدا، رکوع و سجده‌اش را طولانی کند، شیطان ناراحت می‌شود، و فریاد می‌زند: ای وای! اینان اطاعت می‌کنند، ولی من عصیان کردم، سجده می‌کند ولی من از سجده کردن امتناع ورزیدم. (۲)

امام صادق علیه السلام در جای دیگر می‌فرماید: حواریین و یاران حضرت عیسی علیه السلام شیعیانش بودند ولی یاران عیسی از شیعیان ما بهتر نبودند؛ زیرا وعده زیادی دادند، اما به وعده خود عمل نکردند، و در راه خدا جهاد نمودند. ولی شیعیان ما از هنگام وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله تا به حال، از یاری کردن دریغ نداشته و برای ما فداکاری نمودند، به آتش سوختند، تحت شکنجه و عذاب قرار گرفتند، از وطن آواره گشتند، ولی از یاری و نصرت ما دست برنداشتند. (۳)

بایید برای دین خدا و احیاء ارزش‌های دینی و الهی در جامعه اسلامی و ساختن جامعه‌ای آزاد و آباد و نیروهای متعدد و معتقد و شیعیانی واقعی تلاش کنیم تا مورد توجه و عنایت ویژه حضرات معصومین علیهم السلام قرار گیریم. ان شاء الله

پی‌نوشت‌ها

۱. وافی، جلد یک، جزء سوم، ص ۳۸

۲. همان، ص ۶۱

۳. سفینه البحار، ج ۱، ص ۷۳